



دانشگاه سindh
پم

علوم بلاغی

دکتر محبوبہ مونسان دکتر مریم دلاور

«امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.»^۱

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چند هزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز هفته کتاب ۷۲/۱۰/۴

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار پانزده

مقدمه نوزده

بخش اول. فصاحت و بلاغت ۱

فصل اول. فصاحت ۳

هدف کلی ۳

هدف‌های یادگیری ۳

۱-۱ فصاحت ۵

۱-۱-۱ فصاحت کلمه ۵

۱-۱-۲ فصاحت کلام ۷

۱-۱-۳ فصاحت متکلم ۱۰

خلاصه فصل اول ۱۰

خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول ۱۱

فصل دوم. بلاغت ۱۳

هدف کلی ۱۳

هدف‌های یادگیری ۱۳

۲-۱ بلاغت در لغت و اصطلاح ۱۳

۲-۲ بلاغت در متکلم ۱۴

۲-۳ بلاغت در کلام ۱۴

خلاصه فصل دوم ۱۶

خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم ۱۶

۱۹	فصل سوم. علم معانی
۱۹	هدف کلی
۱۹	هدف‌های یادگیری
۱۹	۱-۳ تعریف علم معانی
۱۹	۲-۳ ابواب علم معانی
۲۰	۳-۳ تعریف کلام
۲۱	۴-۳ ارکان کلام
۲۱	خلاصه فصل سوم
۲۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۲۳	فصل چهارم. احوال اسناد خبری
۲۳	هدف کلی
۲۳	هدف‌های یادگیری
۲۵	۱-۴ اسناد
۲۶	۲-۴ کلام خبری
۲۶	۱-۲-۴ صدق و کذب کلام
۲۷	۲-۲-۴ مقاصد خبر
۲۹	۳-۴ توجه به حال شنونده و رعایت آن
۳۰	۱-۳-۴ کلام ابتدایی
۳۰	۲-۳-۴ کلام طلبی
۳۰	۳-۳-۴ طلب انکاری
۳۱	۴-۴ طرق تأکید کلام
۳۳	۵-۴ ایراد کلام بر اساس مطابقت با مقتضای ظاهر حال و برخلاف آن
۳۶	۶-۴ اغراض غیر اصلی خبر
۳۷	۷-۴ التفات
۳۹	خلاصه فصل چهارم
۴۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۴۳	فصل پنجم. احوال مسندالیه و مسند
۴۳	هدف کلی
۴۳	هدف‌های یادگیری
۴۳	۱-۵ احوال مسندالیه
۴۴	۱-۱-۵ نقش‌های مسندالیه
۴۵	۲-۵ ذکر مسندالیه
۴۸	۳-۵ حذف مسندالیه
۴۸	۱-۳-۵ اغراض حذف

۵۰	۴-۵ تعریف مسندالیه
۵۰	۵-۴-۱ اقسام تعریف مسندالیه
۶۲	۵-۵ نکره آوردن مسندالیه
۶۵	۵-۶ مقدم ساختن مسندالیه بر مسند
۶۷	۵-۷ تأخیر مسندالیه
۶۷	خلاصه فصل پنجم
۶۷	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم

۶۹	فصل ششم. احوال مسند
۶۹	هدف کلی
۶۹	هدف‌های یادگیری
۶۹	۶-۱ اقسام و احوال مسند
۷۰	۶-۲ ذکر مسند
۷۲	۶-۳ حذف مسند
۷۴	۶-۴ تعریف مسند
۷۴	۶-۴-۱ تعریف مسند به (ال جنس)
۷۴	۶-۴-۲ تعریف به عهد
۷۵	۶-۵ نکره آوردن مسند
۷۶	۶-۶ تقدیم مسند
۷۷	۶-۷ تأخیر مسند
۷۷	۶-۸ تنويع مسند
۷۸	خلاصه فصل ششم
۷۸	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم

۸۱	فصل هفتم. متعلقات فعل (اطلاق و تقييد)
۸۱	هدف کلی
۸۱	هدف‌های یادگیری
۸۱	۷-۱ متعلقات فعل
۸۲	۷-۲ حذف مفعول
۸۲	۷-۲-۱ دلایل حذف مفعول
۸۴	۷-۲-۲ تقدیم مفعول و مانند آن بر فعل و شبه‌فعل
۸۵	۷-۳ اطلاق
۸۶	۷-۴ تقييد
۸۶	۷-۴-۱ تقييد به انواع شرط
۸۹	۷-۴-۲ مقيد ساختن با غير ادات شرط
۹۲	۷-۴-۳ ترک تقييد

۹۲	 خلاصه فصل هفتم
۹۲	 خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم
۹۵	 فصل هشتم. قصر
۹۵	 هدف کلی
۹۵	 هدف‌های یادگیری
۹۶	 ۱-۸ قصر
۹۷	 ۱-۱-۸ قصر حقیقی
۹۷	 ۲-۱-۸ قصر اضافی
۹۷	 ۲-۸ شیوه‌ها و روش‌های قصر
۱۰۰	 ۳-۸ تقسیم قصر اضافی براساس اعتقاد مخاطب
۱۰۰	 خلاصه فصل هشتم
۱۰۱	 خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هشتم
۱۰۳	 فصل نهم. انشاء
۱۰۳	 هدف کلی
۱۰۳	 هدف‌های یادگیری
۱۰۳	 ۱-۹ انشاء
۱۰۴	 ۲-۹ انواع انشاء
۱۰۴	 ۱-۲-۹ انشاء طلبی
۱۰۸	 ۲-۲-۹ انشاء غیر طلبی
۱۰۹	 ۳-۹ کاربرد خبر به‌جای انشاء
۱۰۹	 خلاصه فصل نهم
۱۰۹	 خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل نهم
۱۱۱	 فصل دهم. وصل و فصل
۱۱۱	 هدف کلی
۱۱۱	 هدف‌های یادگیری
۱۱۱	 ۱-۱۰ وصل و فصل
۱۱۲	 ۲-۱۰ وصل
۱۱۳	 ۱-۲-۱۰ مواضع وصل
۱۱۴	 ۳-۱۰ فصل
۱۱۴	 ۱-۳-۱۰ دلایل فصل عدم اتحاد و پیوست
۱۱۹	 ۴-۱۰ جامع
۱۲۰	 خلاصه فصل دهم
۱۲۰	 خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دهم

فصل یازدهم. ایجاز، اطناب، مساوات.....	۱۲۳
هدف کلی.....	۱۲۳
هدف‌های یادگیری.....	۱۲۳
۱-۱۱ ایجاز.....	۱۲۵
۲-۱۱ اطناب.....	۱۲۸
۳-۱۱ مساوات.....	۱۳۲
خلاصه فصل یازدهم.....	۱۳۲
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل یازدهم.....	۱۳۲
بخش دوم. علم بیان.....	۱۳۵
فصل دوازدهم. علم بیان.....	۱۳۷
هدف کلی.....	۱۳۷
هدف‌های یادگیری.....	۱۳۷
۱-۱۲ بیان.....	۱۳۷
۲-۱۲ لفظ و معنا.....	۱۳۸
۳-۱۲ علاقه.....	۱۳۸
خلاصه فصل دوازدهم.....	۱۳۹
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوازدهم.....	۱۳۹
فصل سیزدهم. تشبیه.....	۱۴۱
هدف کلی.....	۱۴۱
هدف‌های یادگیری.....	۱۴۱
۱-۱۳ تشبیه.....	۱۴۴
۱-۱-۱۳ طرفین (ارکان) تشبیه.....	۱۴۴
۲-۱۳ تقسیم طرفین تشبیه به مفرد و مرکب.....	۱۴۶
۳-۱۳ انواع تشبیه به اعتبار تعدد طرفین.....	۱۴۸
۱-۳-۱۳ تشبیه ملفوف.....	۱۴۸
۲-۳-۱۳ تشبیه مفروق.....	۱۴۸
۳-۳-۱۳ تشبیه تسویه.....	۱۴۹
۴-۳-۱۳ تشبیه جمع.....	۱۴۹
۴-۱۳ وجه‌شبه.....	۱۵۰
۱-۴-۱۳ تقسیم وجه‌شبه از نظر وحدت یا تعدد در ذات و ماهیت.....	۱۵۰
۲-۴-۱۳ تشبیه به اعتبار وجه‌شبه.....	۱۵۳
۵-۱۳ ادات تشبیه.....	۱۵۶
۱-۵-۱۳ تشبیه به اعتبار ادات.....	۱۵۶
۶-۱۳ تشبیه به اعتبار غرض.....	۱۵۷

۱۶۰	۷-۱۳ اغراض تشبیه
۱۶۲	خلاصه فصل سیزدهم
۱۶۲	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سیزدهم
۱۶۵	فصل چهاردهم. مجاز
۱۶۵	هدف کلی
۱۶۵	هدف‌های یادگیری
۱۶۵	۱-۱۴ حقیقت و مجاز
۱۶۶	۲-۱۴ اقسام مجاز
۱۶۶	۳-۱۴ قرینه در مجاز
۱۶۷	۴-۱۴ علاقه در مجاز
۱۶۷	خلاصه فصل چهاردهم
۱۶۸	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهاردهم
۱۶۹	فصل پانزدهم. حقیقت و مجاز عقلی
۱۶۹	هدف کلی
۱۶۹	هدف‌های یادگیری
۱۶۹	۱-۱۵ مجاز عقلی
۱۷۰	۲-۱۵ مشهورترین علاقه‌های مجاز عقلی
۱۷۰	۱-۲-۱۵ اسناد به زمان
۱۷۰	۲-۲-۱۵ اسناد به مکان
۱۷۰	۳-۲-۱۵ اسناد به سبب
۱۷۱	۴-۲-۱۵ اسناد به مصدر
۱۷۱	۵-۲-۱۵ اسناد اسم فاعل یا فعل معلوم به مفعول
۱۷۱	۶-۲-۱۵ اسناد اسم مفعول یا فعل مجهول به فاعل
۱۷۲	خلاصه فصل پانزدهم
۱۷۲	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پانزدهم
۱۷۳	فصل شانزدهم. استعاره
۱۷۳	هدف کلی
۱۷۳	هدف‌های یادگیری
۱۷۳	۱-۱۶ تعریف استعاره
۱۷۴	۲-۱۶ ارکان استعاره
۱۷۴	۳-۱۶ استعاره به اعتبار ذکر طرفین
۱۷۴	۱-۳-۱۶ استعاره مصرّحه تصریحیه و یا تحقیقه و محققه
۱۷۶	۲-۳-۱۶ استعاره مکنیه (بالکنایه)

۱۷۸	 ۱۶-۳-۳ استعاره تمثیلیه، مرکب یا تمثیل
۱۷۹	 ۱۶-۴ استعاره به اعتبار جامع
۱۷۹	 ۱۶-۴-۱ استعاره مصرحه عامیه (قریب مبتذل)
۱۸۰	 ۱۶-۴-۲ استعاره خاصیه یا غریبه
۱۸۰	 ۱۶-۵ استعاره به اعتبار طرفین و جامع
۱۸۳	 ۱۶-۶ استعاره به اعتبار لفظ مستعار
۱۸۳	 ۱۶-۶-۱ استعاره اصلیه
۱۸۳	 ۱۶-۶-۲ استعاره تبعیه
۱۸۴	 ۱۶-۷ استعاره به اعتبار ذکر ملائمت طرفین
۱۸۴	 ۱۶-۷-۱ استعاره مطلقه
۱۸۴	 ۱۶-۷-۲ استعاره مجرد
۱۸۴	 ۱۶-۷-۳ استعار مرشحه
۱۸۵	 ۱۶-۷-۴ استعاره مکنیه مرشحه
۱۸۵	 خلاصه فصل شانزدهم
۱۸۶	 خودآزمایی چهار گزینه‌ای فصل شانزدهم

۱۸۷	 فصل هفدهم. مجاز لغوی مفرد مرسل
۱۸۷	 هدف کلی
۱۸۷	 هدف‌های یادگیری
۱۸۷	 ۱۷-۱ مجاز لغوی مفرد مرسل و علاقه‌های آن
۱۸۷	 ۱۷-۱-۱ علاقه سببیت
۱۸۸	 ۱۷-۱-۲ علاقه مسببیت
۱۸۹	 ۱۷-۱-۳ علاقه کلیت
۱۸۹	 ۱۷-۱-۴ علاقه جزئیت
۱۹۰	 ۱۷-۱-۵ علاقه لازمیت
۱۹۱	 ۱۷-۱-۶ علاقه ملزومیت
۱۹۱	 ۱۷-۱-۷ علاقه آلیت
۱۹۲	 ۱۷-۱-۸ علاقه اعتبار ماکان
۱۹۳	 ۱۷-۱-۹ اعتبار مایکون
۱۹۳	 ۱۷-۱-۱۰ علاقه حالیت
۱۹۴	 ۱۷-۱-۱۱ علاقه محلّیت
۱۹۴	 خلاصه فصل هفدهم
۱۹۴	 خودآزمایی چهار گزینه‌ای فصل هفدهم

۱۹۷	 فصل هجدهم. کنایه
۱۹۷	 هدف کلی

۱۹۷	هدف‌های یادگیری.....
۱۹۸	۱-۱۸ کنایه
۱۹۸	۲-۱۸ انواع کنایه
۲۰۰	۳-۱۸ کنایه به اعتبار لوازم و سیاق.....
۲۰۰	۱-۳-۱۸ تعریض.....
۲۰۱	۲-۳-۱۸ تلویح.....
۲۰۱	۳-۳-۱۸ رمز.....
۲۰۱	۴-۳-۱۸ ایما و اشاره
۲۰۱	خلاصه فصل هجدهم.....
۲۰۲	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هجدهم.....
۲۰۳	بخش سوم. علم بدیع.....
۲۰۵	فصل نوزدهم. علم بدیع.....
۲۰۵	هدف کلی
۲۰۵	هدف‌های یادگیری.....
۲۰۵	۱-۱۹ تعریف بدیع
۲۰۶	۲-۱۹ محسنات معنوی
۲۰۶	۱-۲-۱۹ طباق.....
۲۰۸	۲-۲-۱۹ استخدام.....
۲۰۹	۳-۲-۱۹ مقابله
۲۱۰	۴-۲-۱۹ مراعات‌النظیر.....
۲۱۱	۵-۲-۱۹ تشابه اطراف.....
۲۱۲	۶-۲-۱۹ توریه
۲۱۳	۷-۲-۱۹ استطراد.....
۲۱۴	۸-۲-۱۹ مذهب کلامی
۲۱۴	۹-۲-۱۹ حسن تعلیل (دلیل تراشی یا دلیل آفرینی ادبی).....
۲۱۵	۱۰-۲-۱۹ تجرید
۲۱۶	۱۱-۲-۱۹ مشاکله
۲۱۷	۱۲-۲-۱۹ طیّ و نشر (لفّ و نشر یا به هم پیچاندن و بازگشودن).....
۲۱۹	۱۳-۲-۱۹ جمع.....
۲۲۰	۱۴-۲-۱۹ تفریق (جدایی انداختن).....
۲۲۱	۱۵-۲-۱۹ تقسیم.....
۲۲۲	۱۶-۲-۱۹ مبالغه.....
۲۲۴	۱۷-۲-۱۹ توجیه
۲۲۵	۱۸-۲-۱۹ تشابه اطراف (همانندی کرانه‌های سخن).....
۲۲۷	۱۹-۲-۱۹ عکس (واژگون ساختن).....

۲۲۷	 ۱۹-۲-۲۰ تجاهل عارف (جاهل نهایی آگاه)
۲۲۹	 خلاصه فصل نوزدهم
۲۲۹	 خودآزمایی چهار گزینه‌ای فصل نوزدهم
۲۳۱	 فصل بیستم. محسنات لفظی
۲۳۱	 هدف کلی
۲۳۱	 هدف‌های یادگیری
۲۳۱	 ۱-۲۰ جناس
۲۳۱	 ۲۰-۱-۱ انواع جناس
۲۳۹	 ۲۰-۲ سجع
۲۴۰	 ۲۰-۲-۱ سجع مطرف
۲۴۰	 ۲۰-۲-۲ سجع مرصع
۲۴۱	 ۲۰-۲-۳ سجع متوازی
۲۴۲	 ۲۰-۲-۴ سجع مشطور (تشطیر)
۲۴۲	 ۲۰-۳ موازنه
۲۴۳	 ۲۰-۴ لزوم ما لایلزم
۲۴۳	 ۲۰-۵ ردالعجز علی الصدر
۲۴۴	 ۲۰-۶ اقتباس
۲۴۴	 ۲۰-۷ تضمین
۲۴۵	 ۲۰-۸ تلمیح
۲۴۶	 ۲۰-۹ براعت استهلال
۲۴۶	 ۲۰-۱۰ تخلص و اقتضاب
۲۴۷	 ۲۰-۱۱ انتها
۲۴۸	 خلاصه فصل بیستم
۲۴۸	 خودآزمایی چهار گزینه‌ای فصل بیستم
۲۵۱	 پاسخنامه
۲۵۵	 منابع

پیشگفتار

اهمیت آموزش علوم و فنون بلاغت و اشارتی کوتاه به پیشینه آن

همه زبان‌ها به‌طور کلی به دو گونه گفتار و نوشتار، کاربرد دارند:

۱. گونه عادی و عامیانه، ۲. گونه فصیح و عالمانه.

۱. در گونه عادی و عامیانه، گوینده یا نویسنده بر آن است که مقصود و منظور خود را

به دیگری برساند، خواه گفته و یا نوشته و الفاظ و کلمات کلام به‌طور تمام و

کمال با اصول و قواعد دستوری و علمی مطابق باشد یا نباشد.

وقتی گوینده یا نویسنده‌ای می‌گوید یا می‌نویسد: فلانی پیش من آمده – پیش من آمد

فلانی – آمد فلانی پیش من – آمد پیش من فلانی، مقصودش این است که آمدن فلان

شخص را در گذشته نزد خود به دیگری خبر دهد، و در این‌گونه بیان و سخن، پیش و

پس آوردن اجزای سخن و یا درستی و نادرستی الفاظ از روی اعتبار و سبب و علت

دستوری و بلاغی و علمی نیست، بلکه مقصود رساندن منظور به دیگری است به هر

صورتی که برای او ممکن باشد. در همه زبان‌ها، گفتارها و نوشتارهای عادی و عامیانه

بدین‌گونه است، بنابراین همان‌گونه که یاد شد پیش و پس بودن اجزای سخن و ذکر و

حذف آن‌ها و دیگر مسائل مربوط به ترکیب کلام بر اساس اندیشه و خرد و اسباب و

علل بلاغی و علمی نیست، بلکه حالت‌هایی چون خستگی، اضطراب، تشویش،

ناراحتی، شتاب و عجله، خشم و غضب، ناتوانی، پیروی و تقلید از عموم، عدم آگاهی

به علوم دستوری و بلاغی و اصول و قواعد آن‌ها و نیز عدم توجه به تأثیر حالت‌های

یاد شده در بیان، در پدیداری و ساختار سخن نقش اساسی دارد.

گفتنی است که همان‌گونه که بسیاری از عالمان و ادیبان در گفتارهای عادی و معمولی، سخن را بر همان شیوه عادی و عامیانه به کار می‌برند، همان‌طور هم برخی از عوام به سبب توانایی ذهنی و ارتباط و اختلاط با محیط‌های آموزشی پیشرفته و معاشرت با اهل علم و معرفت، با استواری و درستی و فصاحت و بلاغت گفت‌وگو می‌کنند، و این‌ها از موارد استثنایی به‌شمار آیند.

۲. گونه سخن فصیح و عالمانه بر اساس اندیشه و خرد پدید آمده و بنابراین هر جابه‌جایی و دگرگونی سبب و علتی علمی و عقلی را در پی داشته است: هر زبانی اصول و دستوری دارد که در بستر زمان پدید آمده و به تدریج راه کمال را پیموده است و از این رو تقدّم و تأخّر اجزای سخن و ذکر و حذف و دیگر دگرگونی‌های آن بدون سبب و علت نخواهد بود، گوینده یا نویسنده بلیغ، معنی و مفهومی را تصویر می‌کند و پس از آن اراده می‌کند، آنچه را تصویر نموده با بهترین روش و نیکوترین وجه به مخاطب برساند و برای بیان مقصود و رساندن منظور در ساختار و اجزای سخن جابه‌جایی یا دگرگونی ایجاد می‌کند. گوینده یا نویسنده بلیغ و عالم که آماده آفرینش گفتار یا نوشتار شده، افزون بر آسانی و استواری سخن، بدون سبب و علت اجزای سخن را تغییر نمی‌دهد، و از اینجاست که در محیط‌های آموزشی و علمی توجه به گفته‌ها و نوشته‌ها ضروری و لازم است. همه محیط‌های آموزشی و علمی در همه دوره‌ها و در همه زبان‌ها با مرتبه‌های متناسب با زبان و زمان چنین بوده، هست و خواهد بود، بنابراین آموزش علوم و فنون بلاغی و فلسفه زبان و زیباشناسی آن اختصاص به علوم انسانی ندارد، و بایسته است در مقطعی از مقطع‌های آموزشی همه علوم و فنون اصول و قواعد بلاغت آموزش داده شود و استعداد و فهم پژوهندگان و دانش‌آموزان و دانشجویان و طالبان علوم و فنون را بیشتر آماده کند، و دقیق و ژرف‌نگر سازد.

پیدایش فنون بلاغت و پیشینه آن به زمان آفرینش آدمی و پیدایش او بازمی‌گردد و افزون بر بررسی آن در تاریخ علوم و فنون، کتاب‌های بسیاری پیرامون چگونگی پیدایی و پدیداری آن نگارش یافته که پژوهش آن موضوع جایگاه دیگری دارد، و بر عهده پژوهندگان و نگارندگان تاریخ علوم و فنون است.

برای اهمیت این موضوع اشارتی کوتاه به پیشینه آن در منابع می‌نماییم: ارسطو در کتاب منطق خود برخی از مسائل بلاغی را مانند: تشبیه، محاکات، تقابل، تضاد، و

حقیقت و مجاز نزدیک به مفهوم بلاغی یاد نموده است، از باب نمونه در جلد دوم منطق درباره «تشابه» فصلی مناسب آورده است.

جاحظ در «البیان و التبیان» بلاغت پارسیان، و تازیان، و یونانیان و هندیان را یاد نموده و افزوده ایرانیان در گذشته و دوران قدیم پیرامون بلاغت آثاری ساخته و پرداخته‌اند.

جاحظ و دیگر دانشمندانی که پیرامون بلاغت، گزارش داده‌اند، به مسائل و نمونه‌هایی پرداخته‌اند که گونه‌ای از آرایش‌های بدیعی را می‌نمایاند، و گویا در روزگاران کهن تا پیش از اسلام وقتی سخن از فصاحت و بلاغت به میان می‌آمده فن «بدیع» را تداعی می‌نموده و در واقع «بدیع» عهده‌دار بیان همه مسائل فنون بلاغت بوده است.

بحث‌ها و نقد و نظرهایی که عرب‌های پیش از اسلام پیرامون سروده‌ها و خطبه‌ها نموده‌اند و از فصاحت و بلاغت سخن گفته‌اند، فن «بدیع» را می‌نمایاند: آرایه‌های موردنظر آن‌ها، مانند: جناس، و موازنه، و اقتباس، و تضمین، و ردّ العجز علی الصدر، و حسن مطلع، و حسن مقطع و امثال آن‌ها همه از آرایه‌های بدیعی است: و استعاره و تشبیه و کنایه نیز از همین گونه آرایه‌ها به‌شمار می‌رفته است.

نخستین پدیده‌ای که موجب شد تا مسلمانان در این باره به ابداع و ابتکار و پژوهش مهمی توجه کنند، نزول قرآن کریم و اثبات اعجاز آن بود، و این پژوهش‌ها به تدریج به پدیداری فنون بلاغت یعنی «معانی - بیان - بدیع» انجامید، و بدین ترتیب جعل و وضع فنون سه‌گانه بلاغی با سرچشمه وحی الهی ارتباط مستقیم داشته و از برکت آن پدید آمده است.

مقدمه

پیش از آغاز هر علم و دانشی شایسته است سبب و علت یاد دادن و یادگرفتن و جایگاه و فایده و نتیجه دانشی را که بدان می‌پردازند و در نظر دارند که برای آن کتاب یا مقاله نگارش دهند، روشن و توضیح نمایند و هدف و منظور از آموزش آن را بیان کنند تا کشش و کوششی دانسته و سنجیده انجام گیرد. از این رو لازم است در ابتدای هر کتاب آموزشی و درسی در هر دانشی گزیده‌ای از اسباب و علل و هدف و منظور از آموزش آن گزارش شود که گفته‌اند «تبیین علت و سبب نهایی و غایی، مقدم بر بیان اسباب و علل دیگر است».

کتابی که بدان خواهیم پرداخت، دانشی را بررسی و گزارش می‌دهد که به اصطلاح «بلاغت» یا «فنون بلاغت» نامیده‌اند. دانش بلاغت مانند «دستور زبان» همه زبان‌های عالم را فراگیر است، از آن رو که هم زیباشناسی سخن را می‌نمایاند، و هم راز و رمز «دستور زبان» را می‌گشاید. طبیعت سخن و گفتار و نوشتار به فنون بلاغت نیازمند است از آن رو که اصول و قواعد آن عهده‌دار بیان و راه و روش سبب و علت پدیداری سخن و گفتار و نوشتار است، و آدمی با آموزه‌های آن متوجه می‌شود که «هر سخن جای و هر نکته مکانی دارد» و باز می‌فهمد که:

مزن بی‌تأمل به گفتار دم نکو گوی گر دیر گویی چه غم!
بر همه روشن است که گفته‌ها و نوشته‌ها در مجلس جشن و سرور با مجلس سوگواری یکسان نیست، و سخنرانی در همایش علمی غیر خواندن و گفتن در محافل تفریح و سرگرم‌کننده است. بدین ترتیب همه دانشمندان به‌ویژه در علوم انسانی

ناگزیرند تا حدودی اصول و قواعد و راه و روش فنون بلاغت را تا درحد مناسب موضوع دانش مربوط به کار گیرند و از آن بهره مناسب به دست آورند.

در این مقدمه به تفسیر و توضیح «بلاغت» می پردازیم و می دانیم که منظور بلاغت کلام است و هرگاه گفته شود که فلانی در سخن گفتن بلیغ است، از آن می یابیم که او فصیح نیز است، زیرا منظور از بلیغ در علوم بلاغی یعنی کسی که سخنش رسا و کلماتش روان و گویا است و از این رو پرداختن به معنی و مفهوم بلاغت مستلزم پرداختن به معنی فصاحت است چراکه بلاغت کلام عبارت از مطابقت کلام با مقتضای حال همراه با فصاحت کلمات آن است و از اینجاست که در بسیاری از کتاب های معتبر بلاغی تعریف و تفسیر معنی فصاحت و بلاغت را سرلوحه آموزش این دانش قرار داده اند؛ ما نیز همان راه را می پیماییم.

کتاب حاضر علاوه بر بیان جایگاه های علم معانی، بیان و بدیع جلوه هایی از نهج البلاغه را در حوزه علم بیان و بدیع به عهده گرفته است. در قسمت علم معانی از انوار کلام امام علیه السلام خوشه ای نهچیده ایم زیرا که علم معانی بیان کلام بنا بر مقتضای حال مخاطب است و ما به حال مخاطبان در زمان آن بزرگوار احاطه کامل و دقیقی نداریم. به همین جهت در علم بیان و بدیع به قدر استطاعت از میوه های پر بار نهج البلاغه قدحی تقدیم مخاطبان عزیز و بزرگوار کرده ایم.

لازم به ذکر است که بیشتر مثال های استفاده شده در علم بیان و بدیع با کتاب «جلوه های بلاغت در نهج البلاغه» محمد خاقانی که کتابی پر بار در این زمینه است مطابقت داده شده و دانشجویان می توانند برای آگاهی بیشتر به آن کتاب مراجعه کنند.

اما برای استحکام بیشتر با منابع اصلی نیز مطابقت داده شده که در این مسیر نرم افزار منهاج البراعه مؤسسه الکترونیکی نور بسیار کارآمد بوده است.

برای تدوین این کتاب بیشتر به کتاب های جواهر البلاغه، مختصر المعانی، مطول و مفتاح العلوم مراجعه و از منابع بلاغی نویسندگان فارسی زبان و دیگر نویسندگان این فن بهره لازم برده شده است. تمام تلاش ما بر آن بود که در این مسیر کوتاهی صورت نگیرد. امید است که این نوشتار رسالت علمی که بر دوش خود داشت به نحو احسن به ثمر رسانده باشد و جناب حضرت حجت حق از ما راضی و خشنود باشد.

کاربرد متفاوت کتاب بلاغت حاضر به جهت استفاده فراوان از مثال های نهج البلاغه در بیان و بدیع ما را بر آن داشت تا مختصر اشاره ای به شخصیت ادبی امام علی علیه السلام و فصاحت و بلاغت در نهج البلاغه داشته باشیم.

شخصیت ادبی امام علی علیه السلام

سخنی درباره «نهج البلاغه» و «گوینده آن»

سخن گفتن درباره شخصیتی مانند امیرالمؤمنین علی علیه السلام و یا اثر عظیمش «نهج البلاغه» کار آسانی نیست، برای کسانی که بخواهند به عمق وجود علی علیه السلام پی ببرند و از تمام زوایای فکر بلند و ایمان قوی و ملکات فاضله او آگاهی یابند و یا نهج البلاغه را چنانکه هست بشناسند، به یقین کار آسانی نیست.

نهج البلاغه دریایی است بی کران، اقیانوسی است بی نهایت، گنجینه‌ای عظیم و منبعی است برای همه نیازهای انسان در مسیر سعادت.

در هر میدانی که گام می‌نهد حق سخن را ادا کرده است، و دقایق را موبه‌مو شرح می‌دهد که گویی گوینده این سخن تمامی عمر را اشتغال به بحث و بررسی روی همین موضوع داشته است نه غیر آن.

در یک خطبه توحیدی چهره یک فیلسوف بزرگ الهی را در نظر انسان مجسم می‌کند که سالیان دراز همه وقت خود را سخن از توحید گفته و غیر از آن گفتاری نداشته است.

خطبه جهادش، چهره فرمانده و افسری شجاع و دلاور را برایمان ترسیم می‌کند که لباس رزم به تن کرده و دقیق‌ترین دستورات و تاکتیک‌های جنگی را برای افسران و لشکریان خود تشریح می‌کند. آنچنان که گویی همواره با میدان جنگ و فنون نبرد سروکار داشته است. در کرسی حکومت و رهبری آیین کشورداری را برای استانداران و فرماندهان خود چنان شرح می‌دهد، که چهره حاکمی آگاه، دقیق، مدیر، مدبر، دلسوز و... را در برابر دیدگان به تصویر می‌کشد.

وقتی در خطبه «همام» صفات پارسایی و وارستگی را شرح می‌دهد حدود یک‌صد صفت از صفات آن‌ها را در عباراتی محکم، عمیق و نافذ برای سالکان راه حق برمی‌شمرد.

«محقق خویی» در منهاج البراعه سخنی از «ابن ابی الحدید» دارد در آنجا که می‌گوید: «هیچ سخنی را با کلام علی علیه السلام نمی‌توان از نظر نظم گفتار و عظمت محتوا مقایسه کرد، او یکه‌تاز این میدان است و سخنوری است که با بیانش خشم و اضطراب فرومی‌نشاند و دریایی است که گوهرهایش را بر ساحل می‌پراکند، بر دل‌ها حکومت می‌کند چنانکه آن‌ها را به پیروی از اوامر و نواهی خود می‌کشاند. تشویق‌های

آن راهنما و راهگشای نیکی‌هاست با تازیانه سخنان خود مجرمان را از منکر باز می‌دارد، شایسته است که سخن او پیشوای سخنان باشد همان‌طور که خودش امام و پیشوای خلق است.

فصاحت و بلاغت نهج البلاغه از نگاه ادیبان و نویسندگان

شریف رضی در مقدمه زیبای نهج البلاغه چنین می‌گوید: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَشْرِعَ الْفَصَاحَةِ وَ مَوْدَهَا وَ مَنَشَأَ الْبَلَاغَةِ وَ مَوْلِدَهَا وَ مِنْهُ ظَهَرَ مَكُونُهَا وَ عَنْهُ أُخِذَتْ قَوَانِينُهَا وَ عَلَى أُمُثَلِهِ هَذَا كُلُّ قَائِلٍ خَطِيبٍ وَ بِكَلَامِهِ اسْتَعَانَ كُلُّ وَاِعِظٍ وَ مَعَ ذَلِكَ سَبَقَ وَ فَصَّرُوا وَ قَدْ تَقَدَّمَ وَ تَأَخَّرُوا؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام سرچشمه فصاحت و منشأ بلاغت و زادگاه آن است و از او اسرار بلاغت آشکار گشت و قوانین و دستورات آن از وی گرفته شد بر شیوه او هر خطیب توانایی راه یافت و به گفتار او هر خطیب توانایی یاری جست و با این حال او در میدان پیش رفت و دیگران فروماندند او تقدّم یافت و دیگران عقب ماندند.»

سپس در تفسیر این سخن می‌افزاید: «لَأَنَّ كَلَامَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْكَلَامُ الَّذِي عَلَيْهِ مَسْحَةٌ مِنَ الْعِلْمِ الْإِلَهِيِّ وَ فِيهِ عَقَّةٌ مِنَ الْكَلَامِ النَّبَوِيِّ؛ زیرا در کلام او نشانه‌هایی از علم خداست و عطر و بویی از سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.»

یکی از شارحان معروف نهج البلاغه عزالدین عبدالحمید معتزلی که از دانشمندان معروف اهل سنت قرن هفتم هجری است، در شرحی که بر نهج البلاغه نگاشته، بارها در این زمینه سخن گفته و در برابر فصاحت و بلاغت فوق‌العاده نهج البلاغه سر تعظیم فرود آورده است.

او در یکجا (ذیل خطبه ۲۲۱) بعد از شرح بخشی از کلام علی علیه‌السلام درباره برزخ می‌گوید:

«وَ يُنْبَغِي لَوَاجْتِمَاعِ فَصَحَاءِ الْعَرَبِ قَاطِبَةً فِي مَجْلِسٍ وَ تُلَى عَلَيْهِمْ، أَنْ يَسْجُدُوا لَهُ كَمَا سَجَدَ الشُّعْرَاءُ لِقَوْلِ عَدِيِّ بْنِ الرَّقَاعِ: قَلَمٌ أَصَابَ مِنَ الدَّوَاقِ مِدَادَهَا ... فَلَمَّا قِيلَ لَهُمْ فِي ذَلِكَ قَالُوا إِنَّا نَعْرِفُ مَوَاضِعَ السُّجُودِ فِي الشُّعْرِ كَمَا نَعْرِفُونَ مَوَاضِعَ السُّجُودِ فِي الْقُرْآنِ؛ اگر تمام فصحای عرب در مجلس واحدی اجتماع کنند و این بخش از خطبه برای آنها خوانده شود سزاوار است برای آن سجده کنند. (همان‌گونه که روایت کرده‌اند) هنگامی که شعرای عرب شعر معروف «عَدِيٌّ بْنُ الرَّقَاعِ» (قَلَمٌ أَصَابَ ...) را شنیدند برای